



An Examination of the Correlation Between Sports Diplomacy and the International Prestige of Nations: A Case Study of Qatar Hosting the 2022 FIFA World Cup

Hossein Polvande

MA in Political Science, Razi University, Kermanshah, Iran.

Email: hpolvande@yahoo.com

Farzad Rostami

Assistant Professor of Political Science, Razi University, Kermanshah, Iran (Corresponding Author).

Email: f.rostami1361@gmail.com

Abstract

Contemporary sports have undergone a substantial process of internationalization. The strategic, deliberate, and intentional utilization of sports by nations to foster interaction, exchange of information, and positive relations has been identified as a key aspect of sports diplomacy. This approach, characterized by the deliberate and purposeful application of sports as a tool for international engagement, has been shown to enhance international credibility, increase activism, and pursue foreign policy objectives. Sport has been identified as a tool in the realms of diplomacy and politics, with a positive role to play. The practice of sports diplomacy has emerged as a strategic instrument for governments, enabling them to enhance their standing and credibility. Therefore, it is essential to acknowledge that, in addition to military or political power, there are other, less costly ways in which countries can achieve their objectives. Qatar exemplifies a nation that, despite its unique geographical circumstances, employs this form of diplomatic engagement to attain its regional and international objectives. In this regard, the primary question guiding the forthcoming article is how sports diplomacy affects Qatar's international prestige. It is hypothesized that Qatar's successful hosting of the 2022 FIFA World Cup is attributable to the nation's strategic use of sports diplomacy, which has manifested through four distinct components: the consolidation of its position as a prominent regional actor, the leveraging of significant opportunities for public diplomacy, and the augmentation of its global influence. The application of soft power, active involvement in peace and security, and the cultivation of public opinion have been identified as critical factors that contribute to an enhancement in international prestige.

Keywords: Sports, Politics, Sports Diplomacy, FIFA World Cup, Qatar

سنجش ارتباط بین دیپلماسی ورزشی و پرستیژ بین المللی کشورها؛ مطالعه موردی میزبانی قطر برای جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲

حسین پلونده

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

Email: hpolvande@yahoo.com

فرزاد رستمی

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

Email: f.rostami1361@gmail.com

چکیده

ورزش مدرن به طرز چشمگیری بین المللی شده و استفاده استراتژیک، آگاهانه و هدف دار از ورزش توسط کشورها برای ایجاد تعامل، اطلاع رسانی و ایجاد نمایه ای مثبت و افزایش اعتبار بین المللی جهت افزایش کنشگری و پیگیری اهداف سیاست خارجی را می توان به دیپلماسی ورزشی ربط داد. ورزش به عنوان یکی از ابزارهای موجود در دیپلماسی و سیاست دارای نقشی مثبت است و دیپلماسی ورزشی به ابزاری برای دولت ها تبدیل شده تا با استفاده از آن، جایگاه و اعتبار خود را بهبود بخشند؛ بنابراین مهم است به این موضوع پرداخته شود که علاوه بر قدرتهای نظامی یا سیاسی، راههای دیگر و کم هزینه تری نیز وجود دارد که کشورها بتوانند به اهداف خود برسند. قطر یکی از این کشورها است که با وجود موقعیت جغرافیایی خاص آن در حال استفاده از این نوع دیپلماسی برای رسیدن به اهداف منطقه ای و بین المللی خود است. در همین چهارچوب، پرسش اصلی مقاله پیش رو این گونه بیان شد که دیپلماسی ورزشی چگونه بر پرستیژ بین المللی قطر تأثیرگذار است و با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی این فرضیه به دست آمد که قطر توانسته از طریق دیپلماسی ورزشی و در ذیل آن دریافت حق میزبانی جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۲۲، با چهار مؤلفه تبدیل شدن به یک بازیگر مهم منطقه ای، فرصت مهم دیپلماسی عمومی و قدرت نرم، مشارکت در مورد صلح و امنیت و جذب افکار عمومی، نقشی جدی برای خود پیدا کند و در نهایت، پرستیژ و اعتبار بین المللی خود را افزایش دهد.

کلیدواژه ها: ورزش، سیاست، دیپلماسی ورزشی، جام جهانی فوتبال، قطر

مقدمه

مسابقات و رقابت های پرتطرفدار در سطح جهانی و بین المللی ازجمله جام جهانی فوتبال، برای کشورها و به خصوص کشور میزبان می تواند فرصت مهمی برای دستیابی به اهداف خود ازجمله اهداف سیاسی به حساب بیاید. کشورها با کسب حق میزبانی رقابت های بزرگ ورزشی، قدرت ذهنی و غیر عینی خود را تقویت می نمایند و علاوه بر استفاده از مزیت های اقتصادی و تجاری چنین موقعیت هایی، خود را بیش از پیش به سیاست بین الملل معرفی می کنند و سعی دارند پرستیژ و اعتبار خویش را بین ملت ها افزایش دهند. بعد از پایان جنگ سرد مطالعات درخصوص دیپلماسی، افزایش یافته و در این راستا بخش ورزشی به بخشی جدید از دیپلماسی کشورها تبدیل شده است و موضوعات جدیدی را وارد روابط بین الملل کرده است. ورزش می تواند در چهارچوب روابط دیپلماتیک گستره بیشتری را در حوزه روابط بین کشورها برای دولت ها فراهم آورد؛ رهبران و افراد بلندپایه بنمایند؛ پیوند بین ملت ها را کم هزینه تر و کم خطرتر پایه ریزی کند و جایگاه و اعتبار کشورها را ارتقا دهد. این ها نمونه هایی از اهمیت پیوند دیپلماسی و ورزش را نشان می دهد. در این میان، از آنجایی که قطر از یک سو در منطقه ای با چالش های فراوان قرار دارد و از سوی دیگر همواره در سیاست های تعریفی خود به دنبال ایجاد تصویری مثبت از کشورش بوده است؛ باید با به کارگیری روش های نوین به هدف خود برسد. از همین رو پژوهش پیش رو درصدد پاسخ به این پرسش است که «مهم ترین مؤلفه های استفاده از دیپلماسی ورزشی توسط قطر برای افزایش پرستیژ و اعتبار بین المللی خود چیست؟»

در این مقاله ابتدا به طرح چهارچوب مفهومی دیپلماسی ورزشی پرداخته می شود؛ سپس بخش های ورزش، سیاست و روابط بین الملل و ارتباط این سه حوزه، سیاست خارجی قطر (اهداف و جهت گیری ها)، ورزش در قطر (استراتژی ها، افتخارات و میزبانی ها)، میزبانی قطر برای جام جهانی ۲۰۲۲ (اهمیت رقابت جام جهانی و نحوه گرفتن حق میزبانی قطر برای سال ۲۰۲۲) و در پایان دیپلماسی ورزشی و افزایش اعتبار بین المللی کشورها (نقش دیپلماسی ورزشی در افزایش پرستیژ قطر و مؤلفه های آن) تبیین و بررسی خواهد شد.

۱. رهیافت نظری

دیپلماسی ورزشی ابزاری است برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی که جذابیت های مختلفی برای دولت ها دارد؛ ازجمله رشد چشمگیر تصویر بین المللی،



قدرت و جذابیت گسترده ورزش و این باور که ورزش با نیروی منحصربه‌فرد قدرت نرم، ظرفیت کنار هم قرار دادن جوامع دور از هم را دارد (Philpott, 2016, p. 4). دیپلماسی ورزشی را می‌توان به‌عنوان استفاده از افراد و رویدادهای ورزشی برای تعامل، اطلاع‌رسانی و ایجاد چهره‌های محبوب در بین مردم و سازمان‌های خارجی، برای پیشبرد سیاست خارجی دولت‌ها (Murray, 2017, p. 845) و همچنین استفاده از آن برای مقاصد سیاسی و تأمین منافع ملی (رنج‌کش، اصغری‌ثانی، محقر، ۱۳۹۲: ۱۶۹) تعریف کرد. برای توصیف دیپلماسی ورزشی دو روش وجود دارد؛ در مورد نخست، دیپلماسی ورزشی ابزاری است که دولت‌ها برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی خود به‌کار می‌گیرند و دوم که شاید مشهودتر اما کم‌تر قابل درک باشد؛ مربوط به نوعی دیپلماسی است که تنها در ارتباط چندوجهی بین بازیگران متنوعی قابل فهم است که ورزش بین‌المللی را امکان‌پذیر می‌سازد. این‌ها می‌توانند شامل دولت‌ها، بازیگران غیردولتی مانند فدراسیون بین‌المللی فوتبال (FIFA) یا کمیته بین‌المللی المپیک (IOC)، شرکت‌های حقوقی، تلویزیون، امنیت و رسانه‌های پوشش‌دهنده، تیم‌ها، انجمن‌های ورزشی ملی و سازمان‌های جامعه مدنی باشند که همه یک شبکه گسترده دیپلماسی را تشکیل می‌دهند و یک شکل منحصربه‌فرد از مذاکره، نمایندگی و ارتباطات را دارند (Murray, 2013, p. 193). دیپلماسی ورزشی به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته است؛ زیرا می‌تواند دیپلماسی سنتی یک کشور را تقویت و تکمیل کند. درواقع، دولت‌ها سرمایه‌گذاری‌های کلانی جهت میزبانی مسابقات ورزشی بین‌المللی برای به دست آوردن مزایا، فرصت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های خاص قبل، حین و پس از تصمیم‌گیری رسمی برای گرفتن حق میزبانی این رویداد در کشور خود انجام می‌دهند (Ecastro, 2013, p. 198). امروزه از نظر پژوهشگران، ورزش یک فعالیت سرگرم‌کننده پاره‌وقت نیست؛ بلکه موضوعی علمی با پتانسیل فراتر رفتن از عرصه شایستگی‌های حرفه‌ای آن است. ورزش، دیگر یک موضوع ساده نیست که در حوزه زندگی خصوصی یک فرد بازی می‌شود؛ بلکه یک مسئله اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و دیپلماتیک است (صباغیان، ۱۳۹۴: ۱۴۶). بعد از پایان جنگ سرد، ورزش و مسائل مربوط به آن به بخش جدیدی از دیپلماسی‌های مهم کشورها تبدیل شده و موضوعات جدیدی را وارد روابط بین‌الملل کرده است. کشورها با برگزاری رقابت‌های بزرگ، قدرت ذهنی و غیرعینی خود را تقویت خواهند کرد و کشورهای ثروتمند دنیا با استفاده از چنین موقعیت‌هایی، علاوه بر مزیت‌های اقتصادی و تجاری، خود را به سیاست بین‌الملل بیش

از پیش معرفی می‌کنند و سعی دارند جایگاه و اعتبار خود را بین ملت‌ها افزایش دهند. از اینجاست که ورزش با سیاست و به‌طور ویژه با دیپلماسی پیوند می‌یابد.

۲. پیشینه پژوهش

از پژوهش‌های داخلی در حوزه دیپلماسی ورزشی می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد: «برندسازی در دیپلماسی نیچه‌ای قطر» از دکتر محمدجواد رنجکش، حسین اصغری ثانی و دکتر احمد محقر؛ براساس دستاوردهای این نوشتار، قطر با تمرکز منابع خود در قالب دیپلماسی نیچه توانسته در حوزه‌های مختلف خود را به برند تبدیل نماید.

«دیپلماسی ورزشی» از علی صباغیان: در این پژوهش نتیجه‌گیری شده است که نقش ورزش و فعالیت‌های ورزشی از یک فعالیت بدنی و سرگرمی فراتر رفته و کارکردهای مختلفی از جمله سیاسی و بین‌المللی پیدا کرده است؛ بین‌المللی شدن ورزش‌ها باعث شده کشورها برای پیشبرد منافع ملی و تحقق اهداف سیاسی و بین‌المللی به ورزش توجه کنند.

«جایگاه دیپلماسی ورزش در روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران؛ رویکرد کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا» از مهدی شریعتی فیض‌آبادی و محمود گودرزی: در این مقاله آمده که از طریق دارا بودن راهبرد مناسب در زمینه دیپلماسی ورزش، بسیاری از فرصت‌ها برای توسعه روابط بین‌الملل در اختیار کشورها قرار دارد.

«مطالعه تطبیقی دیپلماسی ورزش در توسعه روابط خارجی ایران و کشورهای منتخب» از مهدی شریعتی فیض‌آبادی: براساس مطالب این مقاله، امروزه ورزش و نهادهای جهانی آن مانند کمیته بین‌المللی المپیک به‌عنوان بزرگ‌ترین ارزش مشترک جوامع، فارغ از هرگونه رنگ قومی و نژادی سبب تحقق دهکده‌ای به‌واقع جهانی با شتابی روزافزون شده است. کشورهای توسعه‌یافته و نوظهور در زمینه اقتصادی با استفاده از راهکارهای گوناگون به دنبال اهداف کلان سیاسی خود در بستر ورزش هستند.

در مقالات و آثار خارجی نیز می‌توان به آثار «استوارت موری» اشاره کرد که حوزه مطالعه ایشان درخصوص دیپلماسی ورزشی، تعریف و توضیح آن است. مقاله «پائول برانگان» و «ریچارد جولیانوتی» (۲۰۱۴) در موضوع قطر، ورزش جهانی و جام جهانی است که در آن قدرت و سلب قدرت نرم در این باره توضیح داده شده است؛ بنابراین مقاله حاضر نخستین مقاله در بررسی کاربردی دیپلماسی ورزشی درخصوص افزایش



پرستیژ و اعتبار بین‌المللی درخصوص کشور قطر است که میزبان جام جهانی بعدی فوتبال است.

۲-۱. ارتباط ورزش و روابط بین‌الملل

حوادث و وقایع دنیای حاضر نشان می‌دهد که امروزه ورزش به‌طور اجتناب‌ناپذیری با سیاست پیوند خورده است و یکی از ملزومات اساسی زندگی اجتماعی و از عرصه‌های بسیار مهمی است که حکومت‌ها، افراد و سازمان‌های بین‌المللی با آگاهی کامل از ابعاد سیاسی- اجتماعی آن، همواره تمایل داشته‌اند تا از آن برای دستیابی به اهداف مورد نظر خود بهره‌برداری کنند. تمایل افکار عمومی جهان به کسب اخبار و اطلاعات مربوط به رویدادهای ورزشی از یک‌سو و انعکاس گسترده وقایع ورزشی از طریق رسانه‌های جمعی از سوی دیگر باعث شده است که قلمرو ورزش و سیاست روزبه‌روز به‌هم نزدیک‌تر شود؛ به‌طوری‌که دوری عرصه ورزش از دنیای سیاست و جدایی آن از بازی‌های سیاسی، دیگر امر ساده‌ای به نظر نمی‌رسد. اکنون آشکارا شاهد تأثیر تنش‌ها و بحران‌های بین‌المللی و ملی بر ورزش هستیم و می‌بینیم که عرصه ورزش به‌تدریج محلی برای رقابت‌ها و رویارویی‌های کشورها و افراد سیاسی و هدف مهم سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی و ملی شده و نقش بسیار مهمی را به خود اختصاص داده است. حتی تعدادی از حکومت‌ها از ورزش به‌عنوان ابزار اعمال فشار بر سایر کشورها استفاده می‌کنند؛ به‌ویژه که این روش نسبتاً سهل و فاقد خطرهای معمول و رایج در رویارویی‌های بین کشورها است.

همچنین، گسترش و وسعت فوق‌العاده کاربرد وسایل ارتباط جمعی، به‌ویژه وسایل ارتباط شنیداری و دیداری، عرصه ورزش را به صحنه نمایش جهانی بدل کرده است و از همین‌رو تعجبی ندارد اگر مشاهده کنیم از سال‌های دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد برخی جریان‌ها و حرکت‌های سیاسی به برکت حضور گسترده وسایل ارتباط جمعی در عرصه‌های ورزشی، توانستند از اجتماعات ورزشی به نفع خود و در جهت بیان افکار و خواسته‌های خویش بهره‌برداری کنند (دوستی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴). روابط صمیمی چین و آمریکا که با دیپلماسی پینگ‌پنگ در ۱۹۷۱ تسهیل شد؛ مانع بازیابی جایگاه حزب کمونیست چین در سازمان ملل شده و روابط دیپلماتیک با دیگر قدرت‌های غربی را از میان برداشت. این دستیابی به موفقیت سیاسی، راه را برای پیوستن چین به IOC و سایر سازمان‌های ورزشی بین‌المللی هموار کرد (Qingmin, 2013, p. 220).

آفریقای جنوبی برای جلب حمایت از مبارزات انتخاباتی خود در میان اعضای

«کونکاکاف» فیفا (آمریکای شمالی، آمریکای مرکزی و حوزه کارائیب) سعی در جلب احساسات پان آفریقایی داشت (Ndlovu, 2010, p. 148). امروزه جامعه جهانی با ورزش پیوندی جدایی ناپذیر دارد. ورزش بین الملل با سازوکارها و نهادهای بزرگ خود از جمله کمیته بین المللی المپیک (۲۱۱ عضو) و فیفا (۲۰۶ عضو) توانسته است حتی از سازمان ملل متحد (۱۹۳ عضو) نیز پیشی بگیرد و موفقیت یک کشور در این رویداد با اعتباری جهانی همراه باشد (شریعتی فیض آبادی، ۱۳۹۸: ۱۲۶).

ورزش همچنین یک تجارت سودآور است. رویدادهای ورزشی می توانند از طریق حامیان مالی، قراردادهای دولتی و خصوصی و گردشگری، هم برای دولت و هم برای مشاغل خصوصی درآمد زیادی کسب کنند. این رویدادها همچنین می توانند جلسات غیررسمی رهبران، بهانه بزرگی باشند و دیپلماسی گسترده ای را فراهم آورند که در آن بسیاری از رهبران سیاسی با یکدیگر دیدار کنند. از رویدادهای ورزشی می توان برای ایجاد میراثی برای کشور میزبان و بهبود چهره این کشور در جهان استفاده کرد (Trunkos & Heere, 2017, pp. 6-13). ورزش بین المللی فرصتهایی را برای دولت ها ایجاد می کند تا انواع مختلف برتری را از قدرت ورزشی خود گرفته تا ایدئولوژی یک سامانه خاص دولتی از خود نشان دهد (Murray & Pigman, 2014, p. 1100). در روابط بین الملل زمانی که ورزش عملکردی فراتر از یک بازی را فراهم می کند؛ همیشه مورد استقبال دولت ها قرار می گیرد.

به عنوان مثال، کشورها نسبت به المپیک بین المللی طمع دارند؛ زیرا این بازی ها فرصت های عظیم دیپلماسی عمومی را ایجاد می کنند (Murray, 2017, p. 843). «گریکس» چهار دلیل را برای ورود ورزش به دیپلماسی و روابط بین الملل بیان می دارد: ۱. ورزش می تواند صدای یک ملت را رساتر به گوش سایر سیاستمداران برساند و نقش مکمل برای سیاست های یک دولت داشته باشد؛ ۲. رویدادهای بزرگ ورزشی برای ملت میزبان، فرصت های مهم دیپلماتیک عمومی را مهیا می نمایند؛ ۳. دولت ها دیگر به ورزش به عنوان پدیده ای اضافه یا مکان بکر نگاه نمی کنند و ۴. دیپلماسی رشته های ورزشی به حکومت ها اجازه می دهد تا در زمانی که روابط دیپلماتیک آن ها ضعیف یا قوی است؛ انعطاف پذیری قابل توجهی را در آن سوی وضعیت سیاسی از خود نشان دهند (شریعتی فیض آبادی، گودرزی، ۱۳۹۴: ۹۶-۹۷).



۲-۲. سیاست خارجی و ورزش در قطر

۲-۲-۱. سیاست خارجی

برای تبیین سیاست خارجی قطر، باید از دیپلماسی کشور کوچک بهره گرفت. در نظام بین‌الملل، همیشه به کشورهای کوچک به‌عنوان کشورهای آسیب‌پذیر نگاه می‌شود؛ ولی بارها اتفاق افتاده که این کشورهای کوچک از یک نقطه خاص خود در سیاست بین‌المللی و منطقه‌ای به‌خوبی استفاده کرده و تأثیر قابل‌توجهی بر مسائل جاری جهان گذاشته‌اند (رنجکش، اصغری‌ثانی، محقر، ۱۳۹۲: ۱۴۶). کشورهای کوچک دارای برخی از ویژگی‌های خاص هستند: آن‌ها جمعیتی اندک دارند؛ قلمرو سرزمینی‌شان محدود است؛ حاکمیت ملی در این کشورها جز با وابستگی، آن‌هم به‌طور شکننده، برقرار نمی‌شود؛ در اکثر مواقع در مجاورت کشورهای بسیار بزرگ و به عبارتی در سایه آن‌ها قرار دارند و بوروکراسی حکومتی آن‌ها محدود و در بیشتر موارد متمرکز است. دولت‌های کوچک برای مقابله با آسیب‌پذیری‌ها با هر ابزاری به دنبال برجسته‌نمایی خود در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی هستند. از زمان شکل‌گیری نظام بین‌الملل، دولت‌های کوچک همواره کوشیده‌اند در تلاش‌های دیپلماتیک دسته‌جمعی حضور یابند تا بتوانند موجودیت خود را به‌عنوان دولت‌های حاکمیت‌دار حفظ کنند (طالبی‌آرانی، ۱۳۹۲: ۲).

کوچک بودن و جمعیت کم قطر بسیاری از روندهای سیاست خارجی آن را توضیح می‌دهد. باین‌حال، آنچه شرایط را دشوارتر می‌کند این است که این کشور توسط کشورهای بزرگ ایران از شمال و عربستان سعودی از جنوب احاطه شده است. موقعیت جغرافیایی شکننده قطر، به اتخاذ دیپلماسی و مذاکره نیاز دارد (Abu Sulaib, 2017, p 35). قطر سیاست خارجی خود را قبل از هر چیز براساس نیاز به بقا به‌عنوان یک موجودیت مستقل تعیین می‌کند. این در منطقه بی‌ثبات یک چالش خاص است (Boyce, 2013, p. 367). همچنین سیاست خارجی فعال قطر معمولاً پیامد اقدامات جسورانه آن برای برندهای دولتی تلقی می‌شود. برندسازی دولتی، نگاه سرمایه‌گذاران و تجارت بین‌المللی را به خود جلب می‌کند. در این باره می‌توان به رویدادهای آموزشی، فرهنگی و ورزشی توجه کرد (Mohammadzadeh, 2017, p. 27). سیاست‌های قطر به سمت ترویج یک تصویر مثبت بین‌المللی از کشوری در حال پیشرفت، مدرن، قابل اعتماد برای تجارت و بی‌طرف است که سیاست‌های آن مطابق با هنجارها و ارزش‌های بین‌المللی است (Pulliam, 2013, p. 1).

در مسائل سیاسی منطقه‌ای نیز بایستی سیاست خارجی قطر را در نظر گرفت.

قطر در مورد مسائل منطقه همواره خواهان این بوده است که بین قدرت‌ها (جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی) توازن قدرت وجود داشته باشد. این کشور وابستگی خود به عربستان را کاهش داده و بعد از بحران سوریه نیز سعی داشته است که رابطه خود را با ایران محدود کند؛ به همین جهت سعی کرده است با برقراری تعادل در سیاست خارجی خویش در رابطه با قدرت‌های منطقه، خود را از لحاظ قدرت در جنبه‌های گوناگون به آن‌ها نزدیک نماید یا حتی در بسیاری از موضوعات از آن‌ها عبور کند. این مهم نیازمند قدرتیابی در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله در حوزه دیپلماسی است؛ بنابراین به نظر می‌رسد قطر در تلاش برای رسیدن به اهداف خود، روابط دیپلماتیک و دیپلماسی عمومی خود را با کشورهای جهان افزایش داده است و در این راه از برنامه‌های جهانی و بین‌المللی مهم استقبال خواهد کرد.

۲-۲-۲. ورزش و اهداف ورزشی قطر

برای توضیح و تبیین اهداف ورزش در هر کشوری باید اساننامه و استراتژی‌های آن را مطالعه کرد. طبق راهبرد بخش ملی ورزش قطر (کمیته المپیک قطر ۲۰۱۱) سه دلیل برای دستیابی به موفقیت ورزشی قطر وجود دارد: ۱. توسعه به‌عنوان یک کشور سالم؛ ۲. بهبود روابط بین ملت‌ها و ۳. تبدیل‌شدن به یک قطب ورزشی جهانی. در ادبیات دانشگاهی، بر عواملی مانند کسب اعتبار جهانی، دستیابی به وحدت ملی و بهبود زیرساخت‌های کشور نیز تأکید شده است (Reiche, 2015, p. 495). ورزش در قطر به لحاظ طرفداری و حضور در ورزش حول محور فوتبال می‌چرخد. علاوه بر این، دوومیدانی، بسکتبال، هندبال، شترسواری، اسب‌سواری، کریکت و شنا نیز طرفدارانی دارد. ورزش قطر در سال‌های اخیر پیشرفت چشمگیری داشته است؛ این موضوع را می‌توان از قهرمانی‌ها و مدال‌آوری‌ها تا کسب میزبانی‌های رخدادهای بزرگ ورزشی و ایجاد کمپ‌های بسیار پیشرفته و مجهز برداشت کرد.

۲-۲-۳. افتخارات ورزشی قطر

افتخارات مهم آسیایی و بین‌المللی قطر در ورزش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: افتخارات مهم آسیایی و بین‌المللی قطر در ورزش

فوتبال	قهرمان جام ملت‌های آسیا- ۲۰۱۹
هندبال	حضور در المپیک- ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰ حضور در مسابقات قهرمانی جهان- ۶ دوره



نایب‌قهرمانی مسابقات قهرمانی جهان- ۲۰۱۵ قهرمانی هندبال آسیا- ۲۰۱۴ و ۲۰۱۶ و ۲۰۱۸ و ۲۰۲۰	
حضور در جام جهانی بسکتبال- یک دوره سومی جام بسکتبال آسیا- ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵	بسکتبال
نایب‌قهرمانی والیبال ساحلی جهان- ۲۰۱۹	والیبال
قهرمانی ناصر العطیه در رالی جهانی- ۲۰۱۴	اتومبیل‌رانی

۲-۴. جذب ستارگان ورزشی

قطر از ورزش به‌عنوان ابزاری برای جلب نگاه و توجهات جهانی استفاده می‌کند؛ به همین دلیل خرید ستاره‌های گران‌قیمت ورزشی برای تیم‌های ورزشی و همچنین تیم ملی قطر جدی گرفته شده است. در این باره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

❖ عقد قرارداد با «رائول» ستاره سابق رئال مادرید و تیم ملی اسپانیا توسط باشگاه السد؛

❖ عقد قرارداد با «ژاوی» ستاره سابق بارسلونا و تیم ملی اسپانیا توسط باشگاه السد؛

❖ عقد قرارداد با «مهدی بن عطیه» ستاره سابق رم، یوونتوس، بایرن مونیخ و تیم ملی مراکش توسط باشگاه الدحیل؛

❖ عقد قرارداد با «مانژوکیچ» ستاره سابق بایرن مونیخ، یوونتوس و تیم ملی کرواسی توسط باشگاه الدحیل (www.qfa.qa)؛

❖ حضور ستارگان مختلف در تیم ملی هندبال قطر و باشگاه‌های این کشور مانند «برتراند روین» (فرانسوی الاصل)، «رافائل کاپوته» (کوبایی الاصل)، «فرانکیس مارزو» (کوبایی الاصل) و «دانیل ساریک» (صربستانی الاصل).

❖ حضور ستارگان مختلف در تیم دوومیدانی قطر مانند «فمی اوگانود» (نیجریه‌ای الاصل) و «عبدالله هارون» (سودانی الاصل).

۲-۵. میزبانی‌های ورزشی قطر

نکته مهم دیگر ساخت ورزشگاه‌ها و کمپ‌های بی‌نظیر و بسیار پیشرفته قطر است؛ وجود این امکانات به‌همراه زیرساخت‌های مناسب از لحاظ اقتصادی و گردشگری و هتل‌های باکیفیت بالا باعث شده قطر بتواند میزبان مسابقات و رویدادهای مهم و بزرگ

ورزشی در سال های اخیر و مسابقات پیش رو باشد. در جدول ۲ به این رویدادها اشاره شده است.

جدول ۲: مسابقات و رویدادهای مهم ورزشی به میزبانی قطر

جام جهانی باشگاه های فوتبال	۲۰۱۹
لیگ قهرمانان آسیا (به خاطر شرایط کرونا)	۲۰۲۰
تور جهانی والیبال ساحلی	۲۰۲۰
مسابقات انتخابی تک نفره جهان برای بازی های المپیک	۲۰۲۰
شنای جهانی	۲۰۲۰
دو ماراتن جهانی	۲۰۲۰
گلف غیر حرفه ای	۲۰۲۰
تور جهانی بسکتبال ۳×۳	۲۰۲۰
لیگ الماس دوومیدانی	۲۰۲۰
جام جهانی فوتبال	۲۰۲۲

۲-۶. میزبانی قطر برای جام جهانی ۲۰۲۲

میزبانی از رقابت های ورزشی یکی از اقدامات مهم برای اثرگذاری بین المللی و افزایش قدرت نرم حاکمیت در سطح جهانی است. در این زمینه قطر در سال های اخیر تمام تلاش خود را به کار گرفته که به دست آوردن میزبانی جام جهانی ۲۰۲۲، مهم ترین نمود این راهبرد حاکمیت قطر است؛ زیرا در زمان برگزاری جام جهانی نگاه اغلب رسانه ها و مردم جهان به این رویداد و این کشور خواهد بود و موجب قدرت افزایی بیش از پیش این کشور در عرصه جهانی و به خصوص منطقه ای خواهد بود (Madaresharghi.ir, 1399). «دنیل ریچ» و «تمیر سورک» در این باره معتقدند که جام جهانی با بازی های المپیک تابستانی، یکی از دو رویداد بزرگ رسانه های جهانی است و میزبانی آن، قطر را به کانون توجه گسترده رسانه های جهان تبدیل خواهد کرد؛ بنابراین روزنامه نگاران بین المللی نه تنها خواهان گزارش در مورد بازی ها، بلکه به دنبال خبر در مورد خود قطر نیز هستند (Reiche & Sorek, 2019, p. 108). نکته مهم قابل ذکر، نحوه و چگونگی اعطای حق میزبانی جام جهانی به قطر است. در دوم دسامبر ۲۰۱۰، فیفا از بین کشورهای آمریکا، کره جنوبی، ژاپن، استرالیا و قطر، میزبانی را به قطری ها واگذار کرد. این نخستین باری بود که کشوری از خاورمیانه به این مهم دست یافت. با توجه به وسعت قطر که یکی از کوچک ترین کشورهای جهان است؛ سابقه کم فوتبالی



و نوع آب‌وهوای گرم و خشک آن، بعید به نظر می‌رسید که برگزاری چنین رویداد مهمی به قطر واگذار شود. پس از آن، سخنان متناقض زیادی درباره میزبانی قطر به میان آمد و حتی برخی منابع از پرداخت رشوه‌های سنگین توسط سران قطر خبر دادند؛ اما به‌هرحال با توجه به نفوذ آن‌ها میزبانی قطر برای جام جهانی قطعی شده است. با این اطلاعات، اهمیت برگزاری یک رویداد بزرگ ورزشی مشخص می‌شود و قطر نیز توانسته از آن به بهترین نحو استفاده کند.

درباره مشارکت جهانی قطر و نقش ورزش در آن در سال‌های اخیر نیز می‌توان از المپیک ۲۰۱۲ انگلیس یاد کرد که «دیار قطر» (Qatar Diar)، همراه با شرکت خصوصی انگلستان، «دلنسی» (Delancey) سهام عمده‌ای را در دهکده ورزشکاران المپیک ۲۰۱۲ به دست آورد (Brannagan & Giulianotti, 2014, p 5).

۳. جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ و دیپلماسی ورزشی قطر

ورزش در روابط بین‌الملل، بازیگران غیردولتی و مردم در سراسر جهان سهم عمده‌ای دارد. ورزش از شاخص‌های تمدن و راهی برای جلوگیری از درگیری و دستگاه دیپلماتیک قدرتمند و درعین‌حال مورد غفلتی است که بدون هیچ زحمتی مردم را به هم نزدیک می‌کند. ورزش نیز مانند موسیقی یا هنر، یک زبان جهانی است. مسابقات ورزشی می‌توانند موقعیت‌های پررنگی را برای گفت‌وگو به دور از میز مذاکره رسمی ایجاد کنند (Murray, 2018, p 2).

بنابراین در ازدحام سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌های چندملیتی و سازمان‌های بین‌حکومتی هزاره سوم، ورزش را می‌توان یک نمایش فرا دیپلماتیک در نظر گرفت (شریعتی فیض‌آبادی، ۱۳۹۸: ۱۴۳). ورزش بخش مهمی از تصاویر ملت‌ها و کشورها و روند اجتماعی شدن جوانان در جامعه جهانی است (Allison and Monnington, 2002, p 106). بعد از به وجود آمدن دولت‌های ملی، ورزش از مرزهای ملی فراتر رفت و به‌عنوان همراه دیپلماسی معرفی شد و از آن زمان، نقش مهمی در سیاست، ارتقای دیپلماسی، تقویت هویت‌های ملی و تسهیل تغییرات سیاست داخلی و خارجی دارد (Qingmin, 2013, p. 214). دیپلماسی نوعی ابزار سیاسی خاص است و در گذشته ارتباط چندانی بین دیپلماسی و سیاست با ورزش قائل نبودند. ورزش علاوه بر مزایای ملی، افتخار برای ملت، اقتصادی، تجاری و برندسازی، اثر مثبت دیگری نیز درخصوص کسب اعتبار بین‌المللی و منطقه‌ای دارد که مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته است. پیوند ورزش و دیپلماسی از این لحاظ نیز قابل‌بررسی است؛ چراکه یکی از کارکردهای مهم و

قابل توجه ابزار دیپلماسی برای کشورها، کسب اعتبار بین المللی است و از زیرشاخه های دیپلماسی، استفاده و ارتباط آن در بخش ورزشی با عنوان دیپلماسی ورزشی است. کشورهای کوچک از طریق استفاده از دیپلماسی ورزشی، برای خود اهداف بلندمدت و بلندپروازانه ای را در روابط بین الملل جست و جو خواهند کرد. قطر از سال های گذشته توانسته به نوعی با دیپلماسی ورزشی ارتباط خوبی برقرار کند و با آن خود را در درجه اول به دنیا معرفی نماید و سپس به دنبال اهداف خود، از جمله کسب اعتبار منطقه ای و جهانی باشد. آرم «بنیاد قطر» در سال های قبل بر روی پیراهن های باشگاه های مختلف از جمله بارسلونای اسپانیا بوده و باشگاه پاری سن ژرمن، برترین باشگاه فرانسه متعلق به قطر است. این ها نمونه های مهم و برجسته از معرفی قطر به دنیا بوده؛ اما در مرحله اصلی استفاده از دیپلماسی ورزشی، قطر خواهان کسب اعتبار جهانی برای خود است که جام جهانی فوتبال فرصت مناسب را برای آن فراهم می سازد.

در زیر مهم ترین مؤلفه های استفاده از دیپلماسی ورزشی توسط کشور قطر برای افزایش پرستیژ و اعتبار بین المللی خود آورده شده است:

۳-۱. تبدیل شدن به بازیگری مهم در منطقه در کنار کشورهای ایران و عربستان سعودی

تصمیم گیرندگان دوحه می خواهند قطر از یک کشور کوچک در حاشیه جنوبی خلیج فارس به یک کشور بزرگ مطرح در مهم ترین و کانونی ترین جغرافیای جهان تبدیل شود. از همین رو واقعیت های کنونی منطقه سبب شده که قطر تحت تأثیر این شرایط با سیاست امنیتی ایالات متحده آمریکا در منطقه همراه گردد و این حس را به رهبران سیاسی خود القا کند که مرتبه منطقه ای آنان افزایش یافته است و این تداوم فزونی مرتبه نیازمند همراهی بیشتر با غرب در کنار روابط مسالمت آمیز و رقابت با کشورهای قدرتمند منطقه است (جالیئوسی، طباطبائی، البرزی، ۱۳۹۴: ۷). در دهه گذشته قطر علی رغم محدودیت ژئوپلیتیک، همواره نقش بزرگی را به عنوان میانجی ایفا نموده و سیاست خارجی آن به ایدئولوژی های محصور در اسلام سنتی محدود نشده و توانسته است موقعیت خود را در میان همه متحدان منطقه ای و بین المللی خاورمیانه حفظ کند؛ منطقه ای که مملو از اختلافات جناحی است. داشتن روابط متعادل با اسرائیل، ایران و سوریه و برقراری ارتباط با اسلام گرایان از قبیل حماس و حزب الله و نیز در اختیار قرار دادن بزرگ ترین پایگاه نظامی به آمریکا در منطقه، همگی نشان دهنده



سیاست خارجی فعال این کشور است (ابوالفتحی، رستمی، نادری، ۱۳۹۷: ۳۱۷). به بیان دیگر، منطقه خاورمیانه ویژگی‌های خاصی دارد؛ ازجمله حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای، تهدیدات امنیتی، موقعیت ویژه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی، گروه‌های مذهبی و قومی مختلف، توزیع قدرت نظامی نامتوازن و وجود قدرت‌های منطقه‌ای ازجمله ایران و عربستان و با وجود این شاخصه‌ها، کشورهای منطقه باید سیاست خارجی و دیپلماسی خود را منطبق با این‌ها برنامه‌ریزی کنند و به کنشگری بپردازند. قطر با دیپلماسی ورزشی توانسته خود را بازیگری قابل احترام و قابل توجه نشان دهد. هدف آن‌ها در این خصوص، تبدیل قطر به یک بازیگر مهم منطقه‌ای در کنار قدرت جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی است؛ همان‌طور که قطر می‌تواند در بسیاری از بحران‌های منطقه نقش میانجی را بازی کند و با حل این بحران‌ها به اهداف خود برسد.

۲-۳. فرصت مهم دیپلماسی عمومی و تکمیل قدرت نرم خود

تغییر شرایط و مطرح شدن مؤلفه‌های جدید و تأثیرگذار در عرصه بین‌المللی باعث شده تا کشورها برای پیشبرد هرچه بهتر منافع ملی خود ابزارها و سیاست‌های جدیدی را تعریف و به‌کارگیری کنند؛ بنابراین کشورها نمی‌توانند همچون گذشته تنها بر تبادلات بین دولتی خود در قالب دیپلماسی سنتی تکیه نمایند. این امر موجب شده تا در بسیاری از کشورها سازوکارهای جدیدی برای دستگاه دیپلماسی تعریف گردد که یکی از آن‌ها دیپلماسی عمومی خوانده می‌شود (هادیان، احدی، ۱۳۸۸: ۸۷).

دیپلماسی عمومی اقداماتی برای تعامل و ارتباط با دیگر ملل و اندیشه‌ها بوده که هدف از آن، استقرار و استمرار روابط طولانی‌مدت فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست‌های نظام مورد نظر با جوامع دیگر است. شرایط جدید نظام بین‌الملل باعث شده تا کشورها نیاز بیشتری به ارتباط با گروه‌های اجتماعی کشورهای هدف پیدا کنند. مقام‌های کشورهای گوناگون بسته به توان خود تلاش دارند تا علاوه بر قدرت نظامی و اقتصادی از ظرفیت‌های قدرت نرم برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود بهره ببرند (هادیان، احدی، ۱۳۸۸: ۹۱). «هانس تاچ» نویسنده کتاب «ارتباط با جهان»، دیپلماسی عمومی را تلاش‌های رسمی دولت برای شکل‌دهی محیط ارتباطات در خارج می‌داند؛ به‌گونه‌ای که سیاست خارجی قابلیت اجرا بیابد و میزان ناآگاهی‌ها و شناخت‌های نادرست از روابط پیچیده بین کشورها کاهش یابد (اخوان کاظمی، عزیزی، ۱۳۸۹: ۷). دولت‌ها از ابزار دیپلماسی عمومی برای بسیج منابعی که قدرت نرم تولید می‌کنند و برقراری ارتباط و جلب نظر مردم دیگر کشورها و نه صرفاً دولت‌هایشان استفاده می‌کنند (Nye, 2008, p

۹۵) تا از خود تصویری مثبت به نمایش بگذارند. وقتی تصویر کلی کشوری به صورت مثبت نمایان شود؛ موقعیت بهتری برای استفاده از تحولات بین‌المللی به نفع خود خواهد داشت. از همین رو قدرت نرم، کشور را قادر می‌سازد تا برخی از پیامدهای منفی گام‌های اشتباه و شکست‌های سیاسی خود را بهبود بخشد (Kamrava, 2017, p 114).

جوزف نای قدرت را دارای دو بُعد سخت و نرم می‌داند. قدرت سخت مبتنی بر تهدیدات (چماق) یا پاداش (هویج) است؛ اما به زعم نای، قدرت بُعد دومی نیز دارد که بدون تهدید یا پاداش ملموس و از راه جذب و اقناع به دست می‌آید؛ این نوع قدرت، قدرت نرم نام دارد. نای در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۱۱ تعریف جامع‌تری از قدرت نرم ارائه داد و آن را «کسب آنچه می‌خواهید از طریق جذب و اقناع نه تهدید و پاداش» تعریف و هدف اصلی آن را «جذب دیگران» عنوان کرد (ذاکریان، عمادی، ۱۳۹۴: ۷۵). تأکید قدرت نرم بر این است که قدرت می‌تواند از منابع غیرملموس نشئت گیرد و زمانی که قدرت نظامی به طور انحصاری در اختیار قدرت‌های بزرگ قرار دارد؛ قدرت نرم به عنوان ضرورت مهم کشورداری می‌تواند در اختیار دولت‌های کوچک نیز باشد (ذاکریان، عمادی، ۱۳۹۴: ۷۷). قطر ایفاکننده نقشی مهم در سطح منطقه شناخته می‌شود که آن را به سیاست خارجی هوشمندانه و پیشرفت چشمگیر راهبرد سیاست فرامرزی‌اش مدیون است. هرچند دوحه دارای مشکلات فراوانی در داخل و خارج از سرزمینش بوده است؛ اما توانسته تهدیدات ناشی از ناآرامی‌های اطرافش را به فرصت تبدیل کند؛ به طوری که جایگاهی به مراتب پررنگ‌تر از دیگر کشورهای هم‌تراز خود و حتی قدرت‌های برتر از خود در دهه اخیر کسب کند و این امر به درک و نگاه تصمیم‌گیرندگان آن و دیپلماسی عمومی فعال و تلاش رهبرانش برای فرار از خطر گمنامی این کشور کوچک بازمی‌گردد (جالی‌نوسی، طباطبائی، البرزی، ۱۳۹۴: ۷). فدراسیون‌های ملی ورزشی علاقه‌مند به برجسته نمودن سهم مفروض خود در مصالح عمومی هستند و استدلال آن‌ها اغلب توسط سیاست‌گذاران دولتی در بسیاری از کشورها، از کشورهای دموکراتیک مانند انگلستان و آلمان تا کشورهای خودکامه مانند قطر اتخاذ می‌شود (Haut & other, 2017, p 311).

از آنجایی که قطر قدرت نظامی قابل توجهی ندارد؛ سعی در استفاده از بُعد دیگر قدرت، یعنی قدرت نرم دارد تا در صحنه جامعه جهانی حضور پررنگ داشته باشد. قطر با دیپلماسی ورزشی خود و برگزاری جام جهانی فوتبال، تصویر مثبتی از کشور خود نشان خواهد داد و سپس قدرت نرم خود را که از راه‌های گوناگون دنبال می‌کند؛ تکمیل خواهد کرد.



۳-۳. مشارکت در مورد صلح، یکپارچگی و امنیت

رهبران کشور قطر پس از آنکه پذیرفتند کشورشان به‌عنوان یک کشور کوچک، قادر به قدرت‌نمایی در حوزه‌های سخت و نظامی نیست؛ دیپلماسی را سرلوحه سیاست خارجی خود قرار دادند تا بدین‌وسیله بتوانند نقشی فعال در منطقه و جهان ایفا کنند. قطر در سال‌های اخیر، به دنبال نشان دادن وجهه‌ای صلح‌طلب از خود بود که در صدد ایفای نقش فعال برای تنش‌زدایی و برقراری ثبات و امنیت در منطقه است. در دهه گذشته قطر حضور فعالی در خاورمیانه و شمال آفریقا داشته است. در تنش‌های سومالی، جنگ داخلی لیبی، بحران سوریه و مسئله فلسطین، تأثیرگذاری قطر به‌عنوان یک بازیگر مهم، غیرقابل انکار است (www.mdeast.news).

بنابراین در چند سال اخیر قطر در عرصه منطقه‌ای، در پی ایفای نقش جدی و متمایز نسبت به سایر کشورهای خلیج فارس برآمده و توانسته است ضمن تضمین امنیت و ثبات خود به ایفای نقش‌های فعال در منطقه بپردازد. گستردگی حوادث در پهنه جغرافیای منطقه نشان‌دهنده بلندپروازی قطر از مغرب تا الجزایر، لیبی، تونس، مصر، سودان، یمن و سوریه به‌عنوان بارزترین صحنه برای نقش‌های متعدد این کشور است. از همین‌رو در بررسی آنچه در سال‌های اخیر در جهان عرب می‌گذرد؛ نمی‌توان به‌سادگی از نقش شبه‌جزیره کوچک قطر در حاشیه جنوبی خلیج فارس گذشت. قطر به‌گونه‌ای نقش‌آفرینی می‌کند که اگر اغراق‌آمیز نباشد؛ بنا به نظری باید گفت که واقعاً همه راه‌ها در سال‌های اخیر به دوحه ختم می‌شوند (شادمانی، ۱۳۹۹: ۸۶-۸۷). قطر همیشه به دنبال حفظ سیاست خارجی انعطاف‌پذیر و مستقلی است که عمده‌تأ مبتنی بر ارتقای صلح بین‌المللی است. این جنبه اصلی راهبرد قطر در قانون اساسی آن در ماده ۷ آورده شده است: «سیاست خارجی دولت براساس اصل تقویت صلح و امنیت بین‌المللی با تشویق حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی استوار است؛ از حق تعیین سرنوشت مردم حمایت خواهد کرد؛ در امور داخلی سایر کشورها دخالت نخواهد نمود و با ملت‌های صلح‌دوست همکاری خواهد کرد» (Barakat, 2012, p. 10).

یکی از دلایل مشارکت قطر در مراکز ورزشی جهانی در مورد صلح، یکپارچگی و امنیت است. زمینه طرح این موضوع را باید در سیاست خارجی قطر جست‌وجو کرد. از نظر «قدرت سخت»، اگرچه قطر از نیروی اقتصادی خود سود زیادی می‌برد؛ اما نفوذ نظامی این کشور بسیار محدود است و چشم‌انداز زیادی برای دفع یک نیروی مهاجم قابل‌توجه نخواهد داشت. سیاست امنیتی قطر براساس ضرورت، متمرکز بر اعمال قدرت نرم از طریق همکاری صلح‌آمیز بین‌المللی و همراهی با ارزش‌های صلح، امنیت

و یکپارچگی است (Brannagan and Giulianotti, 2014, p. 8). با رسیدن به این هدف و تضمین غرب به‌ویژه ایالات‌متحده، این کشور می‌تواند توجه خود را به موضوعات دیگر متمرکز کند و به اهداف خود برسد (Abu Sulaib, 2017, p. 36).

۳-۴. جذب افکار عمومی

به اعتقاد «فلوید آلبرت» افکار عمومی به موضع‌گیری عده‌ای از افراد اطلاق می‌شود که در آن افراد مزبور، خود شخصاً یا بر طبق درخواست از آن‌ها، موافقت یا تأیید خود یا عکس آن را نسبت به وضعیتی مشخص یا اشخاص خاص یا پیشنهاد معین دارای اهمیت زیاد بیان می‌دارند (mokarto.com). موضوع افکار عمومی، مطالعه، بررسی، شناخت بستر شکل‌گیری و کیفیت خواست‌های عمومی، به‌عنوان یکی از متغیرهای اساسی در ارزیابی و تحلیل مناسبات سیاسی و زندگی اجتماعی است (خرمی، ۱۳۸۲: ۹). افکار عمومی به‌طور جزئی یا کلی از طریق وسایل ارتباط جمعی ارائه می‌شود و به‌وسیله آن شکل می‌گیرد؛ از آن متأثر می‌شود یا صرفاً به‌وسیله آن خلق می‌شود (کینگراس، ۱۳۸۱: ۴۵). نای بر اهمیت «اعتبار» در قدرت نرم تأکید و عنوان می‌کند که قدرت نرم به «اعتبار» بستگی دارد و اعتبار می‌تواند هم منبع و هم پیامد قدرت نرم باشد؛ بنابراین، اعتبار را می‌توان سرمایه قدرت نرم دانست؛ زیرا نوعی منبع تشویقی است که می‌توان آن را در روابط جمعی، سرمایه‌گذاری کرد تا فرایند جلب توافق دیگران را آسان‌تر کند (ذاکریان، عمادی، ۱۳۹۴: ۷۸).

در دیپلماسی عمومی که بخش دولتی و بخش خصوصی همراه با یکدیگر عمل می‌کنند؛ تلاش عمده سیاست‌گذار ارتباط با مخاطب عام و افکار عمومی است تا بتواند پیام مورد نظر خود را منتقل کرده، بر تصمیم‌سازان تأثیرگذاری مطلوب را بنماید (هادیان، احدی، ۱۳۸۸: ۸۷-۸۸). «چارلز کیگلی» معتقد است دیپلماسی عمومی به‌نوعی شکل جدیدی از تبلیغات است که به معنای گسترش نظام‌مند اطلاعات به‌منظور تأثیرگذاری بر افکار عمومی است بنماید (هادیان، احدی، ۱۳۸۸: ۹۱). از دوران جنگ سرد تاکنون، نه‌تنها ابرقدرت‌ها، بلکه کشورهای کوچک و نوظهور نیز سعی کرده‌اند تا با شرکت در مسابقات بین‌المللی و حتی با برتری و پیروزی، خود را بر روی نقشه بین‌المللی قرار دهند و اعتبار جهانی کسب نمایند. هدف اعتبار جهانی مخاطب خاصی نیست؛ بلکه می‌خواهد چهره یک ملت را در صحنه جهانی شکل دهد. نمونه‌های اخیر آن بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن، میزبانی برزیل از جام جهانی ۲۰۱۴ فوتبال و بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۱۶ و جام جهانی ۲۰۲۲ فوتبال در قطر است (Haut & other, 2017, pp. 313-).



314). قطر در سال‌های اخیر در زمینه‌های مختلف سعی نموده افکار عمومی را به سمت خود جلب کند که از جمله این‌ها می‌توان به فرهنگ و آموزش، سفر و جهانگردی، دنیای ورزش و رسانه‌های ارتباطی اشاره کرد. همان‌طور که ذکر شد؛ قطر را یکی از کشورهای کوچک تعریف می‌کنند و کشورهای کوچک نیز دارای محدوده‌ای خاص هستند که ممکن است در نگاه جهانی و افکار عمومی جهان چندان قابل توجه و مهم نبوده، اعتبار و دیدگاهی خاص نیز نداشته باشند؛ بنابراین قطر لازم می‌داند برای جلوگیری و کاهش چنین مشکلی، افکار عمومی را جلب نموده و تصویر و نمایه خود را به‌عنوان یک کشور قابل اعتماد در روابط بین‌ملتها ترسیم کند. در زمینه ورزشی قطر در تلاش است تا رویدادهای مهم ورزشی را برگزار نماید و برای همین، با برگزاری جام جهانی ۲۰۲۲ خواهان جذب افکار عمومی است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله نقش دیپلماسی ورزشی در افزایش پرستیژ و اعتبار بین‌المللی کشورها بررسی شده است. قطر یکی از کشورهایی است که می‌توان این موضوع را در راستای اهداف سیاست خارجی آن ارزیابی کرد و با توجه به این موضوع، به‌عنوان مطالعه موردی برای این مقاله انتخاب شد. این کشور با برگزاری جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۲۲ در چهارچوب دیپلماسی ورزشی خود بر آن است تا پرستیژ و اعتبار بین‌المللی خود را افزایش دهد. در چهارچوب مفهومی، دیپلماسی ورزشی به لحاظ تعریف، موارد کاربرد آن، توجه دولت‌ها به آن و ویژگی‌های آن بعد از جنگ سرد توضیح داده شد. ورزش مدرن از جهاتی به سیاست و روابط بین‌الملل پیوند خورده است و دولت‌ها و سیاست‌گذاران برای دستیابی به اهداف خود از ورزش استفاده می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که امروزه جدایی ورزش و سیاست به‌سادگی امکان‌پذیر نیست. قطر در بخش سیاست خارجی، در چهارچوب دیپلماسی کشورهای کوچک تعریف می‌شود؛ کشورهایی که همواره سعی می‌کنند در وهله اول موجودیت خود را حفظ کنند و سپس به فعالیت در نظام بین‌الملل بپردازند. از همین‌رو سیاست خارجی قطر به‌گونه‌ای تعیین شده است که بتواند در سیاست جهانی به بازیگری مهم تبدیل شود؛ با این هدف که نشان دهد متعهد و مشارکت‌پذیر در جامعه جهانی و کشوری مطمئن برای دیدارها و برگزاری کنفرانس‌ها است. راهبرد بخش ملی ورزش قطر سیاست‌ها و اهداف آن را مشخص می‌کند. ورزش قطر در سال‌های اخیر نشان داده که توان رقابت با سایرین را حتی در سطح جهانی دارد. مسئله مهم در این زمینه، میزبانی‌های گسترده قطر در سال ۲۰۲۰

در رشته های گوناگون است که نشان از شناساندن قطر در ورزش و جامعه جهانی دارد. نقطه عطف این میزبانی ها، میزبانی جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۲۲ است که قطر با وجود حرف و حدیث های فراوان توانست آن را بر عهده گیرد. دیپلماسی ورزشی با افزایش اعتبار بین المللی ارتباط دارد. ورزش در تصویرسازی برای شناسایی ملت ها و کشورها دارای نقش مهمی است. قطر با استفاده از دیپلماسی ورزشی، چهار مؤلفه را برای بهبود بخشیدن به پرستیژ خود دنبال می کند: نخست این که با توجه به ویژگی های منطقه خاورمیانه سعی دارد در روابط خود میان دو قدرت منطقه ای ایران و عربستان اعتدال برقرار کند و پس از آن به دنبال تبدیل به قدرتی قابل توجه در منطقه، با روش غیرنظامی است که دیپلماسی ورزشی این هدف را تحقق می بخشد. دوم این که با استفاده از دیپلماسی عمومی خواهان ارتباط با سایر کشورهای جهان است. دیپلماسی ورزشی با برگزاری جام جهانی این فرصت را در اختیار قطری ها قرار داده است. سوم، مشارکت در مورد صلح، یکپارچگی و امنیت بین المللی است. از لحاظ قدرت نظامی، قطر وابسته به ایالات متحده آمریکا است؛ بنابراین آنچه قطر می تواند درخصوص امنیت و صلح جهانی انجام دهد؛ از طریق همکاری های صلح آمیز مانند شرکت در کنفرانس های حفظ صلح یا حتی میزبانی از این کنفرانس ها است؛ اما قبل از آن باید از طریق همکاری های صلح آمیز، ظرفیت خود را نشان دهد. مورد پایانی نیز جذب افکار عمومی است. به این طریق که قطر در موضوعات مختلف سعی کرده تا نگاه های به خود در قالب دولت کوچک را که فقط در پی حفظ بقای خویش است تغییر دهد؛ بنابراین با دیپلماسی ورزشی این هدف برای آن قابل تحصیل است.



فهرست منابع

- ابوالفتحی، محمد؛ رستمی، بنفشه؛ نادری، مسعود (۱۳۹۷). *مطالعه تطبیقی سیاست خارجی عربستان سعودی و قطر در قبال بحران سوریه: ۲۰۱۷-۲۰۱۱*. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. ۶ (۲۴).
- اخوان کاظمی، مسعود؛ عزیزی، پروانه (۱۳۸۹). *دیپلماسی عمومی و الگوی اسلامی آن*. رسانه. ۲۰ (۴).
- جالینوسی، احمد؛ طباطبائی، یگانه سادات؛ البرزی، هنگامه (۱۳۹۴). *نقش آفرینی قطر در منطقه خلیج فارس با توجه به مناقشات اخیر خاورمیانه*. مطالعات بیداری اسلامی. ۴ (۸).
- خرمی، قاسم (۱۳۸۲). *افکار عمومی در عرصه سیاست*. ماهنامه روابط عمومی. (۲۷).
- دوستی، مرتضی و همکاران (۱۳۹۱). *سیاست و ورزش*. ساری: موج قلم.
- ذاکریان، مهدی؛ عمادی، سید رضی (۱۳۹۴). *واکاوی عملکرد شبکه الجزیره در تقویت قدرت نرم قطر*. فصلنامه مطالعات راهبردی. ۱۸ (۱).
- رنجکش، محمدجواد؛ اصغری‌ثانی، حسین؛ محقر، احمد (۱۳۹۲). *برندسازی در دیپلماسی نیچله‌ای قطر*. فصلنامه مطالعات سیاسی. ۵ (۱۹). صص ۱۴۵-۱۷۸.
- شادمانی، مهدیه (۱۳۹۹). *بررسی راهبرد کشورهای اسلامی در مسئله تروریسم (مطالعه موردی عربستان و قطر)*. پژوهش‌نامه حقوق بشری. ۶ (۲).
- شریعتی فیض‌آبادی، مهدی (۱۳۹۸). *مطالعه تطبیقی دیپلماسی ورزش در توسعه روابط خارجی و کشورهای منتخب*. دو فصلنامه علمی دانش سیاسی. ۱۵ (۱). صص ۱۴۸-۱۲۵.
- شریعتی فیض‌آبادی، مهدی؛ گودرزی، محمود (۱۳۹۴). *جایگاه دیپلماسی ورزش در روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران؛ رویکرد کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا*. دو فصلنامه علمی-پژوهشی دانش سیاسی. ۱۱ (۲). صص ۱۲۷-۹۵.
- صباغیان، علی (۱۳۹۴). *دیپلماسی ورزشی*. مطالعات فرهنگ-ارتباطات. ۱۶ (۳۱). صص ۱۵۵-۱۳۵.
- طالبی آرانی، روح‌الله (۱۳۹۲). *تغییر یا تداوم در سیاست خارجی قطر*. گزارش کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. شماره مسلسل ۱۳۲۳۱.
- گینگراس، آن ماری؛ پیر کریر، جیسن (۱۳۸۱). *افکار عمومی: شکل‌گیری و اقلان*. ترجمه علی مهرطلب. رسانه. ۱۳ (۳).
- هادیان، ناصر؛ احدی، افسانه (۱۳۸۸). *جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی*. فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی. ۱ (۳)

References

- Reiche, Danyel; Sorek, Tamir (2019). Sport, Politics, and Society in the Middle East. OXFORD university press.
- Murray, Stuart (2018). Sports Diplomacy: Origins, Theory and Practice. By Routledge.
- Haut, Jan; Jonathan, Grix; Brannagan, Paul Michael; Hilvoorde, Ivo van. (2017). International prestige through sporting success: an evaluation of the evidence. European Journal For Sport And Society. Vol 14. NO 4.
- Murray, Stuart (2017). Sports Diplomacy in the Australian Context: Theory into Strategy. Politics & policy. Vol 45. Pp 841-861.
- Mohammadzadeh, Babak (2017). Status and Foreign Policy Change in Small States: Qatar's Emergence in Perspective. The International Spectator. Vol 52. NO 2. Pp 19-36.
- Abu Sulaib, Faisal Mukhyat (2017). Understanding Qatar's Foreign Policy, 1995-2017. Middle East Policy. Vol XXIV. NO 4.
- KamravaMehran (2017). Qatari Foreign Policy and the Exercise of Subtle Power. International Studies Journal. Vol 14(2). Pp 91-123.
- Trunkos, Judit; Heere, Bob (2017). Sport diplomacy: A review of how sports can be used to improve international relationship. Fit Publishing. West Virginia University.
- Philpott, Simon (2016). Planet of Australians: Indigenous athletes and Australian Football's sports diplomacy. Third World Quarterly.
- Reiche, Danyel (2015). Investing in sporting success as a domestic and foreign policy tool: the case of Qatar. International Journal of Sport Policy and Politics. Vol 7. NO 4. Pp 489-504.
- Brannagan, Paul Michael; Giulianotti, Richard (2014). Soft power and soft disempowerment: Qatar, global sport and football's 2022 World Cup finals. Leisure Studies.
- Murray, Stuart; Pigman, Geoffrey Allen (2014). Mapping the relationship between international sport and diplomacy. Sport in Society. Vol 17. NO 9. Pp 1098-1118.
- Boyce, Graham (2013). Qatar's foreign policy. Asian Affairs. Vol XLIV. Pp 365-377.
- Qingmin, Zhang (2013). Sports Diplomacy: The Chinese Experience and Perspective. The Hague Journal of Diplomacy. Pp 211-233.
- Ecastro, Andreia Soates (2013). South Africa's Engagement in Sports Diplomacy: The Success of the 2010 FIFA World Cup. The Hague Journal of Diplomacy 8. Pp 197-210.
- Murray, Stuart (2013). Sports Diplomacy. The Hague Journal of Diplomacy 8. Pp 191-195.
- Pulliam, Sara (2013). Qatar's Foreign Policy: Building on International Image. Cario: aucegypt.



- Barakat, Sultan (2012). The Qatari Spring: Qatar's emerging role in peacemaking. The London School of Economics and Political Science. University of York.
- Ndlovu, Sifiso Mxolisi (2010). Sports as cultural diplomacy: the 2010 FIFA World Cup in South Africa's foreign policy. Soccer & society. Vol 11. Pp 144-153.
- Nye, Joseph S. (2008). Public Diplomacy and Soft Power. The Annals of The American Academy.
- Allison, Lincoln; Monnington, Terry (2002). Sport, Prestige and International Relations. Politics and Culture. Pp 106-134.
- The Peninsula. QATAR'S DAILY NEWSPAPER.